

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



# به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

رفتار امت  
با دُرْدانَةُ فَلَقت

۹ خرداد ۱۳۸۶  
۱۳ جمادی الاولی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾<sup>(۱)</sup>.

آنها که خدا و پیامرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است.

### سؤال اصلی :

بحث این جلسه را به تناسب شام شهادت مظلومانه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام به گونه ای طرح می نمایم که مناسبت شب رعایت شود و سلسله مباحث قطع نگردد، در ضمن پاسخ بعضی از سؤالات نیز روشن گردد. اساساً چه ضرورتی دارد که ما این مناسبتها را تکریم نماییم؟ چرا در این گونه مناسبات پیرامون شخصیت های مربوط سخن می گوئیم؟ به چه دلیل لازم است تا این

۱-سوره احزاب، آیه ۵۷.

حضرات را بشناسیم و نسبت به جایگاه آنان معرفت حاصل نماییم؟  
 نکته قابل توجه که می‌تواند، پاسخ به این سؤال را روشن کند، این است  
 که به همان دلیلی که معرفت خداوند، لازم است، به همان دلیل و برهانی که ما  
 باید نسبت به ذات اقدس ربوبی و توحید معرفت داشته باشیم، به همان دلیل باید  
 نبوت را بشناسیم و به نبی معرفت پیدا کنیم، به همان دلیل باید به مقام ائمه علیهم‌السلام  
 آگاهی کافی و لازم داشته باشیم. همه این سخنان به سلسله مباحثی که در  
 گذشته بیان شد باز می‌گردد.

خداوند متعال فعال ما یشاء جهان خلقت و آفرینش است و حضرات  
 معصومین علیهم‌السلام وسائط فیض جاریه الهیه و قادر بر هر نوع تصرفی در عالم تکوین  
 هستند. لذا ما باید مقتدرین و متصرفین در عالم خلقت و تکوین را بشناسیم.  
 نکته دیگر که برای سعادت دنیوی ما و دسترسی به راه راست و بازشناسی  
 حق از باطل ضرورت دارد، این است که کسانی که حق در وجود آنها متبلور است،  
 کسانی که رضای آنها رضای حق است و سخط و خشم آنها، خشم ذات اقدس  
 ذوالجلال است، کسانی که اطاعت آنها اطاعت خدا است و کسانی که عصیان آنها  
 عصیان خدا است، باید مورد شناسایی قرار گیرند.

### مقام حضرت زهرا علیها‌السلام بالاتر از عصمت:

این کلام رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مکرر شنیده‌اید:

« إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَا فَاطِمَةَ وَيَغْضِبُ لِعُضْبِهَا »<sup>(۱)</sup>.

خداوند به رضای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خشنود می‌شود و به خشم فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ غضبناک می‌گردد.

از این کلام روشن می‌گردد که مسأله، فوق مقام عصمت است. زیرا عصمت، یعنی انسان تمام خواسته‌ها و خواهش‌های خود را متناسب با خشم و رضای خداوند قرار دهد. اگر کسی به رضای خدا خشنود گردد و به خشم خدا غضبناک گردد، دارای مقام عصمت است. اما جایگاه فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بالاتر از عصمت است. زیرا خدا به رضای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خشنود و به خشم فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ خشمگین می‌گردد.

شناخت و معرفت به مقام فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ، بالاتر از توان عقل و درک ماست.

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند:

« إِنَّمَا سَمَّيْتُ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا »<sup>(۲)</sup>.

ایشان به نام فاطمه نامگذاری شدند زیرا مخلوقات از شناخت ایشان عاجزند.

به این سخن رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوب عنایت کنید که چرا فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را

---

۱- از منابع شیعه بنگرید به: مؤتمر علماء بغداد صفحه ۱۸۷ و بحار الانوار، جلد ۳۰ صفحه ۳۵۳ و از منابع اهل سنت بنگرید به: مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۴ و المعجم الكبير، جلد ۲۲ صفحه ۴۰۱ و صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۸۳.  
۲- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۶۵.

فاطمه نام گذاری نمودم؟ زیرا همه آفرینش از شناخت ایشان عاجز هستند. پیامبر ﷺ در این روایت فرموده‌اند انسانها از معرفت ایشان عاجز هستند. بلکه می‌فرمایند: تمام آفرینش از درک مقام او عاجز هستند. یعنی جبرئیل امین که ناموس وحی است او نیز نمی‌تواند فاطمه علیها السلام را بشناسد. میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و همه انبیاء عظام الهی علیهم السلام از درک معرفت فاطمه زهرا صلی الله علیها و آله و سلم عاجز هستند. خلق به معنای هر موجودی است که آفریده شده است. هنگامی که همراه با «ال» می‌شود، حالت جمع در آن تقویت می‌گردد و تعمیم را می‌رساند. به عبارت دیگر «خلق» همراه با «ال» تمام مخلوقات را شامل می‌گردد.

روایت مفصلی را مرحوم مجلسی رحمته الله در باب معاد کتاب بحار الانوار نقل نموده است. توصیه می‌کنم، آقایانی که به این کتاب دسترسی دارند مراجعه نموده تمام روایت را ملاحظه نمایند.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید:

«إِذَا اسْتَقَرَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ زَارَكَ آدَمَ وَمِنْ دُونِهِ النَّبِيِّينَ»<sup>(۱)</sup>.

آنگاه که اولیای الهی در بهشت جای گیرند، آدم و تمام انبیای پس از ایشان به زیارت تو خواهند آمد.

این چه مقام با عظمتی است که تمام انبیاء الهی علیهم السلام در سرای جاوید به صف می‌ایستند تا فاطمه علیها السلام را زیارت کنند.

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۲۲۷.

این چه مقامی است که خداوند به دردانه آفرینش اعطا کرده است. روایات فراوانی در رابطه با علو مقام حضرت فاطمه علیها السلام وجود دارد. تواتر، کثرت و تنوع این دست روایات به حدی است که ما را به یقین می‌رساند که درک جایگاه ایشان فراتر از توان عقل قاصر بشریت می‌باشد.

### داستان خلقت حضرت فاطمه علیها السلام

همه مصادر و منابع روایی اعم از شیعه و سنی داستان آفرینش حضرت فاطمه علیها السلام را نقل نموده‌اند. ما صدر این روایت را از زبان امام صادق علیه السلام و بقیه روایت را از منابع عامه نقل می‌نماییم. این روایت صحیح بوده، هیچ مناقشه‌ای در سند آن نیست و می‌توان بر اساس آن فتوی داد.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«كان النبي يكثر تقبيل فاطمة فعاتبته علي ذلك عايشة فقالت: يا رسول

الله إنك لتكثر تقبيل فاطمة»<sup>(۱)</sup>.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار فاطمه علیها السلام را می‌بوسید. عایشه ایشان را سرزنش

کرد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو فاطمه علیها السلام را زیاد می‌بوسی.

ادامه روایت را از مصادر اهل سنت نقل می‌کنیم. سیوطی در درّ المنثور<sup>(۲)</sup>

۱- بحار الانوار، جلد ۱۸ صفحه ۳۱۵.

۲- درّ المنثور، جلد ۴ صفحه ۱۵۳.

و طبرانی در معجم<sup>(۱)</sup> و ... نقل نموده‌اند که پیامبر ﷺ در پاسخ به سرزنش عایشه چنین فرمودند:

« لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلَتِ الْجَنَّةَ فَوَقَعَتْ عَلَيَّ شَجْرَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَفِ الْجَنَّةَ أَحْسَنَ مِنْهَا وَلَا أبيضَ وَرَقًا وَلَا أَطيبَ ثَمْرَةً فَتَنَاوَلْتُ ثَمْرَةً مِنْ ثَمَرَاتِهَا فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نَظْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا هَبَّتْ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعَتْ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ فَإِذَا أَنَا اشْتَقْتُ إِلَى رِيحِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ ».

در معراج<sup>(۲)</sup> مرا به بهشت وارد کردند. در میان درختان بهشت به درختی برخورد کردم که به نیکویی آن و درخشش برگهایش و پاکیزگی میوه هایش مانند آن ندیدم. از میوه آن خوردم که تبدیل به نطفه‌ای گردید و بعد از بازگشت در رحم خدیجه [علیها السلام] قرار گرفت و ایشان به فاطمه [علیها السلام] باردار شد. پس هرگاه مشتاق بوی بهشت می‌شوم، بوی فاطمه [علیها السلام] را استشمام می‌کنم.

به این روایت که بسیاری از منابع مورد اعتماد اهل سنت آن را نقل نموده‌اند، دقت کنید. رسول اکرم ﷺ در معراج به بهشت می‌روند. اول شخص عالم خلقت و آفرینش در ارفع ملک الله یعنی بهشت، از افضل میوه‌های بهشتی

۱- المعجم الكبير، جلد ۲۲ صفحه ۴۰۱.

۲- در بعضی روایات نقل شده که پیامبر ﷺ ۱۲۰ مرتبه به معراج رفته‌اند. (تفسیر نور الثقلین، جلد ۳ صفحه ۹۸)



تناول می‌کنند و نطفه فاطمه علیها السلام متکون می‌شود.

### تناسب بین روح و جسد

بر اساس آیات کریمه قرآن بین جسد و روح تناسب وجود دارد. قرآن در مورد خلقت آدم علیه السلام می‌فرماید:

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾<sup>(۱)</sup>.

وقتی گل انسان را تسویه و تنظیم نمودم [و قابلیت دریافت فیض را پیدا کرد] آنگاه از روح خود در آن دمیدم.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

انسان را در بهترین شکل و متناسب‌ترین صورت خلقت نمودیم.

[هیچ مخلوقی در عالم خلقتاً و خلقاً احسن از انسان نمی‌باشد].

کلمه «فسواها» که در برخی آیات و روایات آمده یعنی بطور منظم و مرتب به گونه‌ای که هر چیز در جای خود قرار گرفته باشد. بعد از این تسویه و تعدیل قابلیت دریافت فیض محقق می‌گردد و خداوند از روح خود در آن می‌دمد، زیرا پس از آمادگی جسد، خداوند روح را در انسان می‌دمد. هر نوع جسدی قابلیت دریافت فیض خاص الهی را ندارد. به عبارت دیگر برخی از موجودات قابلیت

۱- سوره حجر، آیه ۲۹.

۲- سوره تین، آیه ۴.

پذیرش روح انسانی را ندارند.

با توجه به مقدمه‌ای که بیان شد به این نکته دست می‌یابیم:

جسم و جسدی که اساس و ماهیت آن را مواد این دنیا تشکیل می‌دهد، استعداد و قابلیت دریافت روح الله را پیدا می‌کند و خداوند روح خود را در آن می‌دمد. حال اگر ریشه و ماهیت جسم و جسدی برترین میوه‌های بهشتی باشد، این چنین جسدی قابلیت دریافت چگونه فیضی را خواهد داشت و چه روحی را دریافت خواهد نمود؟ دانسته شد که اساس جسم حضرت زهرا علیها السلام از برترین میوه‌های بهشت است پس جسم ایشان با تمام اجسام این دنیا متفاوت است و در نتیجه روحی هم که در این جسد دمیده می‌شود نسبت به سایرین تفاوت خواهد داشت.

به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: همه خلق از درک و شناخت

جایگاه او عاجز هستند.

جابر ابن یزید جعفی که از اصحاب سرّ ائمه علیهم السلام است، می‌گوید: از امام

صادق علیه السلام سؤال کردم چرا فاطمه زهرا علیها السلام، زهرا نامیده شدند؟ فرمودند:

لأنّ الله عزّوجلّ خلقها من نور عظمته، فلما أشرقت أضواء السماوات والأرض بنورها، وغشيت أبصار الملائكة وخرت الملائكة لله ساجدين وقالوا: إلهنا وسيدنا، ما هذا النور؟ فأوحى الله إليهم: هذا نور من نوري وأسكنته في سمائي، خلقتة من عظمتي أخرج من صلب نبي من أنبيائي

أفضّله على جميع الأنبياء وأخرج من ذلك النور أئمة يقومون بأمرى يهدون إلى حقّي وأجعلهم خلفائي في أرضي بعد انقضاء وحيي»<sup>(۱)</sup>.

زیرا خداوند فاطمه زهرا [ع] را از نور عظمت خویش خلقت نمود، هنگامی که این نور در جهان آفرینش تابیدن گرفت، تمام آسمانها و زمین را روشن نمود، چشمان ملائکه در اثر تألّف این نور بسته شد و در پیشگاه خداوند به سجده افتادند و از خداوند سؤال نمودند: ای پروردگار ما، این نور چیست؟ خداوند به آنان وحی نمود: این نور، از نور من است که در آسمانها آنرا جای دادم و این نور از عظمت من آفریده شده است. این نور را از صلب پیامبری که بر همه پیامبران برتری داده ام، خارج می نمایم و از آن نور، امامانی را که به امر من قیام می کنند و به سوی حق هدایت می نمایند را خارج می کنم و ایشان را آنگاه که وحی از مردم قطع گردد، جانشینان خود در زمین قرار می دهم.

پس فاطمه زهرا [ع] از نور عظمت خداوند خلقت شده و جسد ایشان از میوه های بهشتی تشکیل یافته و برترین مخلوق خداوند، واسطه انتقال آن نور به این جسد می باشند. اما چنین موجودی با این همه عظمت برای چه به دنیا آمده است و در آخرت چه خواهد کرد؟

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳، صفحه ۱۲.

امام صادق علیه السلام روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرمایند:

« قال رسول الله: خُلق نور فاطمة قبل أن تخلق الأرض والسماء فقال بعض الناس: يا نبي الله فليست هي إنسيّة؟ فقال: فاطمة حوراء إنسيّة. فقالوا: يا نبي الله كيف هي حوراء إنسيّة؟ قال: خلقها الله عزّ وجلّ من نوره قبل أن يخلق آدم إذ كانت الأرواح. فلما خلق الله عزّ وجلّ آدم عرضت على آدم. قيل يا نبي الله وأين كانت فاطمة؟ قال: كانت في حقّة تحت ساق العرش. قالوا يا نبي الله فما كان طعامها؟ قال: التسبيح والتقديس والتهليل والتمجيد»<sup>(۱)</sup>.

[امام صادق علیه السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمودند که: نور فاطمه زهرا علیها السلام] قبل از خلقت آسمانها و زمین خلق گردید. بعضی از حاضرین گفتند: ای رسول خدا آیا او انسان نیست؟ حضرت فرمودند: فاطمه علیها السلام] حوریه‌ای انسان نما است. آنان گفتند: ای رسول خدا! چگونه او حوریه‌ای انسان نما است؟ حضرت فرمودند: خداوند عزّ وجلّ او را از نور خویش قبل از خلقت آدم علیه السلام] آنگاه که ارواح وجود داشتند خلق نمود. هنگامی که آدم علیه السلام] توسط خداوند خلق گردید نور فاطمه علیها السلام] به آدم علیه السلام] عرضه گردید. آنان مجدداً سؤال کردند: در این هنگام فاطمه علیها السلام] در چه جایی قرار داشت؟

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۴.

حضرت فرمودند: او در صندوقچه‌ای زیر ساق عرش الهی قرار داشت. آنان گفتند: ای رسول خدا [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]! طعام او در آن هنگام چه بود؟ حضرت فرمودند: تسبیح، تقدیس، تمجید و تهلیل ذات اقدس ربوبی.

### عبادت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام:

در پایان این روایت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: غذای فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام در عالم بالا قبل از هبوط به این عالم، تسبیح و حمد الهی بوده است. بیان این مسأله شاید ارتباط بین تسیحات خاص حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و جایگاه ایشان را روشن گرداند. فاطمه‌ای که در قائمه عرش الهی به ودیعت نهاده شده و طعام او تسبیح گفتن است، معلوم است که آنقدر در محراب عبادت می‌ایستد که زانوان مبارکش متورم می‌گردد:

«ما كان في هذه الأمة أعبد من فاطمة عَلَيْهَا السَّلَام [كانت تقوم حتى تورم قدماها]»<sup>(۱)</sup>.

در این امت کسی عابدتر از فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نبود. ایشان آنقدر به عبادت می‌ایستادند تا پاهایشان متورم می‌گردید.

عبادتهای فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام حکایت از آن دارد که ایشان از اصل خویش یعنی همراهی با ذکر خداوند در سابقه عرش الهی جدا نگردیده‌اند. دیگر روایات

۱- مناقب ابن شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۳۸۹ (این جمله از حسن بصری نقل شده است).

جلوه‌های دیگری از شخصیت والای ایشان را نمایش می‌دهند.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

« فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد أدرك ليلة القدر »<sup>(۱)</sup>.

اگر کسی فاطمه علیها السلام را درست بشناسد شب قدر را درک نموده است.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمودند:

« هي الصديقة الكبرى وعلى معرفتها دارت القرون الاولى »<sup>(۲)</sup>.

او صدیقه کبری است و گردش روزگاران گذشته بر اساس شناخت جایگاه ایشان بوده است.

### حضرت زهرا علیها السلام پاره‌ای از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم:

« خرج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وهو أخذ بيد فاطمة فقال: من عرف هذه فقد

عرفها ومن لم يعرفها فهي فاطمة بنت محمد، وهي بضعة مني وهي قلبي

وروحی التي بین جنبی فمن آذاها فقد آذانی، ومن آذانی فقد آذی

الله »<sup>(۳)</sup>.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست فاطمه علیها السلام را گرفته بیرون آمدند و

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۶۶. تفسیر فرات کوفی، صفحه ۵۸۱.

۲- امالی شیخ طوسی رحمته الله علیه، صفحه ۶۶۸.

۳- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۵۴.

فرمودند: هر کس او را می شناسد، می داند او کیست و هر کس او را نمی شناسد، بداند او فاطمه زهرا علیها السلام [دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم] است، او پاره تن من است، او قلب و روح من می باشد که در سینه من قرار دارد. هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که مرا بیازارد خدا را رنجانده است. بنابر این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام را پاره ای از وجود خویش معرفی کرده اند: «بضعة منی» این تعبیر که در بسیاری از منابع شیعه و سنی به چشم می خورد، دارای نکته ای است:

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نفرموده اند فاطمه علیها السلام پاره ای از تن من یا جسد من است. بلکه از ایشان به عنوان پاره ای از وجود من یاد کرده اند. یعنی فاطمه علیها السلام پاره ای از شخصیت و هویت من است. فاطمه علیها السلام از هویت نبوت ختمیه و رسالت الهیه منشأ یافته است. در همین روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت زهرا علیها السلام را قلب خویش نامیده اند. قلب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مثل سایر قلبها نیست. قلب ایشان مالا مال از علوم اولین و آخرین است. تمام علمی که به همه انبیاء علیهم السلام داده شده بود نزد ایشان است. عقل تمام اولیاء و انبیاء از ابتدا تا انتهای نزد رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم است و تجسم همه این کمالات در وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام می باشد. طبق روایتی که عرض شد نه تنها اکنون بلکه گردش روزهای نخستین خلقت با شناخت فاطمه علیها السلام صورت می گرفته است. یعنی اگر در زمانهای گذشته [قبل از این عالم] معرفت فاطمه علیها السلام نبود، گردشی و حرکتی در عالم نبود.

به عبارت دیگر دوام حرکت آفرینش، دایره مدار معرفت فاطمه زهرا علیها السلام بوده است.

### رفتار اصحاب با حضرت زهرا علیها السلام

با این همه عظمت و تأکیدات فراوان رسول الله صلی الله علیه و آله مردم در زمان ایشان نسبت به جایگاه حضرت زهرا علیها السلام چه برخوردی داشتند؟ این چند روز گذشته با حضرت فاطمه علیها السلام چه کردند؟ وقتی غاصبین پشت درب خانه امیرالمؤمنین علیها السلام آمدند، امام علیها السلام خواستند برای باز کردن درب خانه بروند اما فاطمه زهرا علیها السلام از رفتن مولی علیها السلام جلوگیری نمودند این در زمانی است که دومی (علیه ما علیه) پشت درب خانه آمده تا برای اولی (علیه ما علیه) بیعت بگیرد. دومی (علیه ما علیه) گفت:

«والذی نفس عمر بیده لتخرجنّ أو لأحرقنّها علی من فیها. فقیل: یا أبا حفص! إن فیها فاطمة. فقال وإن»<sup>(۱)</sup>.

قسم به آنکه جان عمر در دست اوست یا از خانه خارج می شوید یا خانه را با اهل آن به آتش می کشم. به او گفتند: ای عمر! در این خانه فاطمه علیها السلام حضور دارد. گفت: هر چند که فاطمه هم باشد خانه را به آتش خواهم کشید.

۱- الامامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۱۹. (جالب توجه اینکه کتاب مذکور از معتبرترین منابع اهل سنت به شمار می رود و مؤلف آن ابن قتیبه در قرن سوم می زیسته است)



حضرت زهرا علیها السلام خطاب به آنها فرمودند: من مردمی از شما بی شرم تر و بد حضور تر نمی یابم. شما پیکر مطهر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را رها کرده اید و برای غصب حق ما شتاب می کنید<sup>(۱)</sup>.

آن مهاجمین در سایه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رشد کرده و به موقعیت های بالا دست پیدا نمودند. اما با ارتحال ایشان پیکر مطهر او را رها نموده و به دنبال دنیا می دونند. حالا هم درب خانه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به آتش می کشند.

واقعاً این یک سؤال جدی است؛ در این دو سه روز چه اتفاقی افتاد که مردم این گونه بی وفا شدند. مردمی که تا دیروز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می دیدند و پشت سر ایشان نماز می گذارند و در هنگام خدا حافظی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حلالیت طلبیدن ایشان تمام مسجد غرق در گریه شد. اینها همان مردم بودند. همین جمعیت رجاله جمع شدند و درب خانه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را آتش زدند.

### هصائب حضرت زهرا علیها السلام از زبان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :

سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند که گفت: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودند امام حسن علیه السلام آمدند حضرت به او خوش آمد گفتند و از او با گشاده رویی استقبال نمودند و بر زانوی راست خود نشاندهند. بعد از آن امام حسین علیه السلام آمدند به همین صورت بر زانوی چپ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشستند. سپس

۱- همان.

فاطمه زهرا علیها السلام آمدند و مقابل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نشستند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ایشان را سمت راست خود جای دادند. هر کدام از اینان که می آمدند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شدت می گریستند. کسی سؤال کرد: یا رسول الله! چرا اینقدر گریه می کنید؟ آیا از این چهار نفر هیچ یک شما را مسرور نمی کند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ شروع به بیان فضایل و مصائب تک تک ایشان نمودند. وقتی نوبت به سخن گفتن در مورد حضرت زهرا علیها السلام رسید، پس از بیان شمه ای از فضایل ایشان، فرمودند:

«إِنِّي لَمَّا رَأَيْتَهَا ذَكَرْتُ مَا يَصْنَعُ بِهَا بَعْدِي»<sup>(۱)</sup>.

من وقتی فاطمه علیها السلام را دیدم به یاد مصائبی افتادم که بعد از من خواهد دید.

آیا اهل سنت که این روایات را نقل کرده اند<sup>(۲)</sup>، به آنچه نقل می کنند، توجه دارند!؟

اگر رضای حضرت فاطمه علیها السلام رضای خداست، اگر غضب او غضب خداست، وقتی به ابو بکر و عمر خطاب کرده فرمودند:

«فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ أَتَكْمَأُ سَخَطْمَانِي وَمَا أَرْضِيْتَمَانِي»<sup>(۳)</sup>.

خداوند و ملائک را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا آزردید و راضیم ننمودید.

۱- امالی شیخ صدوق رحمته الله علیه، مجلس ۲۴ حدیث ۲ صفحه ۹۹. و بحار الانوار، جلد ۲۸ صفحه ۳۷.

۲- فرائد السمطين، جلد ۲ صفحه ۲۵.

۳- الامامة والسياسة، جلد ۱ صفحه ۲۰.

آیا خشم حضرت زهرا علیها السلام خشم خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیست؟ آیا کسی که صدیقه کبری علیها السلام را بیازارد از صراط حق منحرف نشده است؟ گفته می شود که حرف نزید و نگویید در آن زمان چه اتفاقی افتاده و این حرفها چه سودی دارد؟ چه سودی دارد که بدانیم خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسی بوده؟ اتفاقاً تمام کلام در همین جا است. باید بدانیم که خلیفه اول چه کسی بوده تا حق معلوم شود. باید دانست آن کسانی که راه حق را بستند و مردم را به سوی باطل سوق دادند، چه کسانی بودند تا بتوانیم برای رسیدن به سعادت از حق پیروی نموده از باطل دوری نماییم. در زیارت آل یاسین می خوانیم:

«الحق ما رضیتموه والباطل ما أسخطموه»<sup>(۱)</sup>.

حق آن چیزی است که از آن راضی و خشنود هستید و باطل آن چیزی است که از آن ناراضی می باشید.

«کأتی بها وقد دخل الذلّ بیتها»<sup>(۲)</sup>.

گویی می بینم، ذلت به جای عزت کنونی، وارد خانه فاطمه علیها السلام می گردد. چه ذلتی بالاتر از این که عده ای پشت درب خانه جمع شوند تا خانه را آتش بزنند؟ حرمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هتک می شود. چه هتکی از این بالاتر که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ایستاده باشند و در مقابلشان ناموس ایشان را کتک بزنند؟

۱- المزار، صفحه ۵۷۰ و مفاتیح الجنان.

۲- امالی شیخ صدوق رحمته الله، مجلس ۲۴ حدیث ۲ صفحه ۹۹. و بحار الانوار، جلد ۲۸ صفحه ۳۷.

ابن ابی الحدید نقل می‌کند: من نزد استادام ابو جعفر نقیب قصه هبّار بن اسود و فتح مکه را می‌گفتم. پیامبر ﷺ پس از ورود به مکه خون چند نفر را مباح کردند. یکی از آنها هبّار بن اسود بود. او با پرتاب نیزه به طرف هودجی که در آن زینب ربیبه رسول الله ﷺ بود، ایشان را ترساند و در اثر این ترس کودکش سقط شد. پیامبر ﷺ به سبب این جرم دستور قتل او را صادر کردند. ابن ابی الحدید می‌گوید: استادام گفت: اگر پیامبر ﷺ زنده بودند خون کسی که دخترشان فاطمه علیها السلام را ترساند و جنین او محسن را سقط کرد را مباح می‌دانستند<sup>(۱)</sup>.

به این جمله که در کتاب میزان الاعتدال نوشته ذهبی از اهل سنت است، دقت کنید:

« إنَّ عمر رفس فاطمة حتَّى أسقطت بمحسن »<sup>(۲)</sup>.

عمر (علیه ما علیه) با لگد به فاطمه [علیها السلام] زد که منجر به سقط جنین ایشان، محسن علیها السلام گردید.

ابو بصیر می‌گوید از امام صادق علیها السلام پرسیدم: چرا

فاطمه زهرا علیها السلام در جوانی از دنیا رفتند؟ حضرت فرمودند:

« وکان سبب وفاتها أن قنفذ مولی عمر لکرها بنعل السیف بأمره فاسقطت

محسنا ومرضت من ذلك مرضا شديدا »<sup>(۳)</sup>.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۳ صفحه ۳۵۱.

۲- میزان الاعتدال، جلد ۱ صفحه ۱۳۹ شماره ۵۵۲.

۳- دلایل الامامة، صفحه ۱۳۴.

سبب از دنیا رفتن حضرت زهرا [علیها السلام] این بود که قنغذ غلام عمر [علیه ما علیه] به دستوار اربابش با قسمت انتهایی غلاف شمشیر (که از جنس فلز است) به شدت به سینه حضرت [علیها السلام] کوبید و در نتیجه محسن علی [علیه السلام] سقط گردید و حضرت [علیها السلام] به شدت مریض شدند.

« والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

### خود آزمایی:

- ۱ - به چه دلیل ما باید به ائمه اطهار علیهم السلام شناخت و معرفت داشته باشیم.
- ۲ - معنای عصمت چیست، آیا مقام حضرت فاطمه علیها السلام بالاتر از عصمت است، چرا؟
- ۳ - سبب نامگذاری حضرت فاطمه علیها السلام چه بود و آیا شناخت کامل ایشان امکان‌پذیر است؟
- ۴ - داستان آفرینش حضرت فاطمه علیها السلام را بیان نمایید.
- ۵ - حضرت زهرا علیها السلام پاره‌ای از وجود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند، یعنی چه؟
- ۶ - در کتب اهل سنت ماجرای حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام چگونه نقل شده است؟
- ۷ - ابن ابی الحدید در رابطه با ترساندن حضرت فاطمه علیها السلام چه می‌گوید.
- ۸ - نقش عمر (علیه ماعلیه) در شهادت حضرت زهرا علیها السلام چه بود؟
- ۹ - به چه دلیل باید نسبت به حوادثی که اصحاب برای حضرت زهرا علیها السلام به وجود آوردند، آگاهی یابیم؟
- ۱۰ - قسمتی از گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیان مصائب حضرت زهرا علیها السلام را نقل کنید.

به سوی معرفت ۱۳

۲۶

... سعید بن جبیر از ابن عباس نقل  
می‌کند که گفت: روزی پیامبر ﷺ  
نشسته بودند امام حسن علیه السلام آمدند  
حضرت به او خوش آمد گفتند و از او با  
گشاده رویی استقبال نمودند و بر زانوی  
راست خود نشاندهند. بعد از آن امام  
حسین علیه السلام آمدند به همین صورت بر  
زانوی چپ رسول الله ﷺ نشستند.  
سپس فاطمه زهرا علیها السلام آمدند و مقابل  
رسول الله ﷺ نشستند. امیرالمؤمنین علیه السلام  
نیز آمدند و پیامبر ﷺ ایشان را سمت  
راست خود جای دادند. هر کدام از اینان  
که می‌آمدند رسول خدا ﷺ به شدت  
می‌گریستند. کسی سؤال کرد: یا رسول  
الله! چرا اینقدر گریه می‌کنید؟ ...  
( صفحه ۱۷ از همین جزوه )

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه بیت حضرت آیت الله یثربی

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳  
نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳



به سوی معرفت ۱۳

۲۵